

نگاه سیاستمدار

راه موفقیت در عراق

زلمای خلیل زاد و جورج کیسی*

ترجمه: احسان صحافیان



سه سال پس از سرنگونی مجسمه بزرگ صدام در میدان فردوس بغداد، آمریکایی‌ها و عراقیان می‌توانند مفتخر باشند که تلاش‌ها و فداکاری‌های مشترک‌شان در این برهه زمانی حتی در حالی که تصدیق می‌کنیم چالش‌هایی برای دستیابی به هدف ایجاد یک عراق با ثبات و دموکراتیک پیش‌روست، به ثمر نشسته است.

موفقیت عراق بسیار برای منطقه و جهان مهم است. فقدان آزادی، سیستم‌های حسابرسی حکومت و عدم پیشرفت اجتماعی و اقتصادی به گسترش افراطی گری و تروریسم در خاورمیانه بزرگ و توفیق آن انجامیده است. تأثیرات حکومت‌داری ناکارآمد منطقه در تهاجم ۱۱ سپتامبر به ایالات متحده رخ نمود.

حمایت از تغییرات سیاسی در مناطق دوردست هرگز آسان یا کم‌هزینه نبوده است. اما وقتی ملل آزاد بقا یافته‌اند، سود حاصل از تلاش برای تغییرات سیاسی، سرمایه‌گذاری را توجیه کرده است. پس از جنگ جهانی دوم ایالات متحده و متحدانش آلمان و ژاپن را تبدیل به موتورهای موفقیت اقتصادی پس از جنگ و متحدان دموکراتیک حیاتی گنگ سرد کردند. بازسازی کره جنوبی به آن کشور کمک کرد تا به عنوان کشوری در حد و اندازه‌های رهبری آسیا ظاهر شود.

عراق امروز در سبانه یک گذار دشوار قرار دارد. سال گذشته عراقی‌ها پیش‌نویس یک قانون اساسی متری را تهیه کردند و به تصویب رساندند و انتخابات موفقیت‌آمیزی را برای شورای ملی جدید برگزار کردند. حدود ۷۵ درصد رای‌دهندگان ثبت نام شده در ماه دسامبر آرای خود را به صندوق‌ها ریختند و شورای جدید نمایندگی تمام جوامع عده کشور را بر عهده گرفت.

در ۱۲ ماه گذشته نیروهای امنیتی عراق از ۱۲۷ هزار نفر به بیش از ۲۵۰ هزار نفر افزایش یافته است. ۵۰ گردان، ۱۳ تیپ و ۲ لشکر ارتش عراق مسئولیت امنیتی هزاران مایل مربع از خاک عراق را به عهده دارند و ۱۲ گردان و سه تیپ دیگر در انتظار محول شدن وظیفه امنیتی به سر می‌برند. هدف ما این است که تا پایان تابستان، ۷۵ درصد گردان‌ها و تیپ‌های ارتش عراق قادر به رهبری عملیات ضدشورش باشند و نیروهای انتلاف تنها نقش‌های آموزشی و هدایت‌کنندگی را بر عهده گیرند. در آزمون دشوار بروز خشونت فرقه‌ای پس از بمب‌گذاری حرم امام شیعیان در سامرا، رهبران و نیروهای امنیتی عراق با یکدیگر متحد باقی ماندند. دولت عراق درخواست حفظ وحدت و ثبات کرد و برای جلوگیری از بروز درگیری‌های فرقه‌ای به اقدامات امنیتی توسل جست. اگرچه تمامی نیروهای امنیتی عراق با اقتدار و بی‌طرفی لازم عمل نکردند، اکثریت وسیعی به سرعت به حالت آماده‌باش کامل درآمدند و اقدام به تأمین امنیت مناطق کلیدی نمودند. با وجود پیشرفت در اوضاع عراق نباید فراموش کرد که این کشور از سه دهه غفلت رنج می‌برد. ما با چالش‌های دینامیک (در حال تغییر شکل) جدی مواجهیم و برای پیشبرد اهداف‌مان باید خود را با آنها وفق دهیم.

اول، تهدید اصلی ثبات، گذار از یک شورش ریشه گرفته در نفی نظام سیاسی جدید به خشونت ریشه گرفته در هراس‌ها و اتهام‌های متقابل است. در شش ماه اخیر تروریست‌ها با حملات حساب شده مانند بمب‌گذاری سامرا اقدام به برافروختن فرقه‌گرایی کرده‌اند که این امر خود چرخه‌های بی‌ثباتی خشونت میان جوامع را موجب گردیده است. ما به رهبران عراقی کمک می‌کنیم که از طریق تشکیل دولت وحدت ملی درگیرکننده تمام نیروهای سیاسی عده عراق و تکیه بر مثنی سیاسی میانه‌روی و برخورداری از وزاری قادر به انجام وظایفشان بر فرقه‌گرایی غلبه کنند. دوم، نیروهای امنیتی انتلاف و نیروهای امنیتی با نداشتن زیربنای عراقی تلاش بسیار می‌کنند در جان مردم عراق حفاظت کنند. اگرچه جلوگیری از تمامی حملات تروریستی امکان‌ناپذیر است، نمی‌توان فراموش کرد که ساخت یک محیط تقریباً امن و بی‌تهدید برای ریشه‌زدان نهادهای جدید عراق و پیشرفت مردم در اداره کسب و کار و بنای جامعه مدنی خود ضروری است. هدف ما سال ۲۰۰۶ برقراری امنیت در بغداد و آغاز تلاشی مشابه در ۹ شهر کلیدی دیگر است.

سوم، رهبران عراق باید نهادهای امنیتی تشکیل دهند که نه تنها کارآمد که مورد اعتماد همه گروه‌ها است. وزاری دفاع و کشور همانند کادر عالی رتبه این دو وزارتخانه باید مورد اعتماد تمامی جوامع باشند و ارتباط تشکیلاتی با ملیشیای قومی یا فرقه‌ای نداشته باشند. برای کمک به درک این هدف، اختلاف و دولت عراق تلاش از توجیه بیشتری را به افزایش اطمینان بخشی نیروهای پلیس معطوف کرده است. هدف ما ابراز اطمینان از این امر است که نیروهای پلیس جدید در حقیقت و همچنین آنگونه که درک می‌شود، خادم جامعه عراق هستند و نه گروه قومی یا فرقه‌ای خاص. چهارم، ایالات متحده و دولت جدید عراق با یکدیگر همکاری خواهند کرد که محیط منطقه‌ای حامی ثبات عراق ایجاد کنند. بسیاری از دوستان ایالات متحده در منطقه، نقش مفید در مشارکت عرب‌های سنی در انتخابات دسامبر ۲۰۰۵ ایفا کردند. متأسفانه کارشناسی چون سوریه در اعمالی که آینده عراق را با خطر روبه‌رو می‌کند دست داشته‌اند. اگرچه ایالات متحده امیدوار است شاهد مناسبات دوستانه میان عراق و تمامی همسایگانش باشد، با طرف عراقی همکاری می‌کنیم تا آماده مقابله با هر تهدیدی باشد. بسیاری از ملل بزرگ با دوران‌های بحران‌خیز روبه‌رو بوده‌اند. در این شرایط رهبران و جوامع این ملل باید با یکدیگر متحد باشند و در غیر این صورت شاهد افول کشور و ملت‌شان خواهند بود. ایالات متحده شریک ثابت کشور در این امر است و پیشرفت مورد نیاز را تسریع خواهد کرد. اگر چنان‌کنیم، عراق موفق خواهد شد و بنیاد تغییرات خاورمیانه بزرگ خواهد بود.

* سفیر و فرمانده ارتش نظامی آمریکا در عراق منبع: لس آنجلس تایمز

شاید سال ۲۰۰۶ سالی خوش و یا حداقل بدون

دردسر برای دربار بریتانیا باشد. از ۱۴ سال پیش بود

که روزهای خوش ملکه آشکارا به پایان رسید: فاش

شدن اختلافات شدید زناشویی میان «چارلز» و «دایانا» و ارتباطات تلفنی ولیعهد انگلستان با همسر فعلی‌اش یعنی «کامیلا» از یک طرف و آن آتش‌سوزی مشکوک در قصر سلطنتی ویندسور که دربار برای جبران خسارات آن باید خود دست به جیب می‌شد، همه و همه دست به دست هم دادند تا خاندان سلطنتی بریتانیا در تنگناها و مضایق گوناگون قرار بگیرد و از همین دوران بود که پیش‌بینی‌ها و گمانه‌زنی‌ها در مورد «سقوط سلسله ویندسور» قوت گرفت. اما در حال حاضر وضعیت به گونه‌ای دیگر به نظر می‌رسد: خاندان سلطنتی این روزها به مراتب خوشحال‌تر و شادتر هستند. نوه‌های ملکه هم پایشان را از حد و حدود خود فراتر نمی‌گذارند.

پرنس «ویلیام» و دختری خجول و محتاط ازخانواده‌ای متوسط نامزد کرده و این روزها تیتز یک بسیاری از روزنامه‌های انگلستان شده است و البته همه با دیدی مثبت به این مسئله نگاه می‌کنند. برادر

کوچکتر وی یعنی «هری» هم به تازگی از دانشگاه افسری فارغ‌التحصیل شده و از قرار معلوم جنبه‌های منفی‌اش یعنی مصرف‌حشیش، شرکت در میهمانی‌های غیراخلاقی و باده نوشی را کنار گذاشته است.

فرزندان ملکه یعنی «چارلز»، «اندرو»، «آن» و «ادوارد» هم از قرار چندان غم و دردی ندارند. پرنس «فیلیپ» شوهر ملکه هم مدت‌ها است که از آن اظهارات تند و گاه‌اشبه‌سیاسی دست برداشته است.

اما مسئله مهمی که به‌خصوص برای الزیابت دوم از اهمیت خاصی برخوردار است اینکه نظر عامه مردم نسبت به چارلز یعنی بزرگترین فرزند و ولیعهد وی به سرعت در حال بهتر شدن است. از شایعات و گفته‌ها این طور برمی‌آید که پرنس چارلز باید تاج و تخت آینده را به پسر بزرگترش ویلیام بسپارد. و این خواستی است غیرقابل درک که چندان با سنت‌های این خانواده جور در نمی‌آید. نمی‌توان پیش از رسیدن به سن و سال معینی کسی را بازنشسته اعلام کرد و علاوه بر آن نه الزیابت و نه چارلز حتی در خواب هم نمی‌توانند تصور کنند که سنت‌های جانشینی ولیعهدی را تغییر دهند و به ناگاه نسلی را جا گذاشته و سراز نسل بعدی ببرند. اما آنچه مسلم است در حال حاضر با توجه به اینکه ملکه از هر نظر سالم و سرحال است، پرنس چارلز تا مدت‌ها چاره‌ای جز شکیبایی برای رسیدن به تخت سلطنت ندارد!

مشکل «کامیلا» هم تقریباً کامل برطرف شده است. ازدواج چارلز با کامیلا که یک‌سال پیش همراه با نگرانی‌های بسیار انجام گرفت، ظاهراً برای این ولیعهد خرافاتی و زودرنج اثرات مثبتی هم داشته است. این زن و شوهر به هر جایی که پا می‌گذارند مردم به دیده تحسین به آنها می‌نگرند و این مسئله در سفر اخیر آنها به هندوستان که با شاخه‌های گل از آنها استقبال شد و یا در سفرشان به اسکاتلند با آن لباس‌های محلی، کاملاً مشهود بود.

زمانی «کامیلا» بهترین خوراک برای نشریه‌های زرد انگلستان به شمار می‌آمد و بی‌شمار طرفداران موث «دایانا» از وی به عنوان «عقربه شروری» نام می‌بردند که هرگز نمی‌تواند بر تخت ملکه آینده بریتانیا جلوس کند. اما به تازگی پرتزائرتزین نشریه عوام‌پسند انگلستان یعنی نشریه «سان» ضمن تجلیل از کامیلا، وی را شایسته مقام ملکه عنوان کرد. اما ظاهراً او هم باید بیش از اینها برای رسیدن به این مقام صبر کند.

ملکه الزیابت با وجود سن بالایش (هشتادسال) هیچ شباهتی با کسی که در حال بازنشسته شدن باشد، ندارد. آمار جالب توجه حضور متعدد وی در مجامع گوناگون و فعالیت‌های او، خود نشان از سلامتی جسمی و روحی الزیابت دارد. متانت و محبوبیت الزیابت که در واقع با تکیه بر آن بیش از ۵۴ سال است که بر تخت پادشاهی بریتانیا تکیه زده، حتی مخالفان سلطنت را هم به تملق‌های ناخواسته وامی‌دارد و روز به روز امید آنان به تشکیل جمهوری بریتانیا را کم‌رنگ‌تر می‌کند. پیش از این، نشریاتی چون «گاردین»، «ایندپیندنت» و «آریزور» در مورد سازآزاری سلطنت موروثی با جهان امروز می‌نوشتند و خواستار سیستمی کاملاً دموکراتیک و انتخابی بودند. که البته همه این نوشته‌ها خواست‌ها راه به جایی نبرد و پیبوده بود. در حال حاضر حتی آنها هم ملکه را تحسین کرده و از وظیفه‌شناسی و هوشمندی پایان‌ناپذیر وی و همین‌طور از پاکی و برالت ملکه از هرگونه سیاهکاری قلم‌فرسایی‌ها می‌کنند! الزیابت دوم از احترام و توجه مردم برخوردار است، شاید به این دلیل و با وجود آنکه وی تجسم و تجلی آنتی‌تزهای مدرنیته است. الزیابت همیشه با روشی کاملاً شخصی و به انتخاب خود وضعیت سر و لباس و کلاه‌هایش را آرایش می‌دهد و هرگز در پی تقلید و پیروی از پدیدآورندگان مد نیست و توجهی هم به رسانه‌های مد و لباس ندارد و امتیاز خاصی برای آنها قایل نمی‌شود.

ملکه برای این ملت حکم یک نقطه ثقل و اتکا را دارد و سلطنت موروثی در بردارنده و مجموعه شکوه و جلال است و اجرای مراسم کهنه و باستانی احساس

جهان

یک ملکه و ۱۰ دولت

ترجمه و تالیف: محمدعلی فیروزآبادی



ملکه آخنین

الزیابت پادشاهی خود را مدیون ماجراجانه عاشقانه است. عموّی او یعنی «ادوارد هشتم» در سال ۱۹۳۶ و پیش از تاجگذاری از مقام پادشاهی کناره‌گیری کرد زیرا برای ادوارد، عشق بسیار مهم‌تر از تاج شاهی بود. به دلیل همین کناره‌گیری ادوارد، برادر کوچکترش یعنی «جورج ششم» بر تخت سلطنت نشست. جورج پدر الیزیابت بود و بدین ترتیب پس از وی، تاج و تخت سلطنتش به الیزیابت رسید. زمان به تخت نشستن الیزیابت بسیار زودتر از آنچه انتظار می‌رفت، فرارسید. تازه پنج سال از ازدواجش با مرد محبوبش فیلیپ می‌گذشت و ۲۶ساله بود که پدرش در سال ۱۹۵۲ درگذشت. بسیاری از دولتمردان و مردم در آن زمان – هفت سال پس از جنگ جهانی دوم– ترجیح می‌دادند که یک مرد بر تخت پادشاهی بریتانیا جلوس شود و در دست‌هایش به سالن‌ها ساژ می‌رفت.

«نیکولاس دیویس» کارشناس امور سلطنت در مورد وضعیت امروز محبوبیت ملکه می‌گوید: «امروزه مردم بریتانیا به ملکه بیشتر به چشم مادربرزگی نگاه می‌کنند که با نظم و ترتیبی وفادانه وظایفش را انجام داده است.» جشن پنججاهمین سالگرد تاجگذاری الیزیابت در سال ۲۰۰۲ هم نشان داد که دوران آن تلاطم‌های خانمان برانداز در خاندان ویندسورگذشته و حال آرامشی نسبی برقرار است. اما به هر ترتیب امروز دیگر خطری متوجه تاج و تخت الیزیابت نیست.

وظایف و اختیارات ملکه

بریتانیا سابقه‌ترین و قدیمی‌ترین رژیم مشروطه سلطنتی را دارد. در پایان قرن هفدهم بود که همه اختیارات مطلقه رژیم سلطنتی جزیره انگلستان در وضع قوانین، به پارلمان تعویض شد و در قرن هجدهم نمایندگان پارلمان رفته‌رفته نظارت و کنترل دولت را نیز بر عهده گرفتند. الیزیابت دوم پادشاه بریتانیا نیز علاوه بر وظیفه و اختیاری که پیش از این آمد یعنی اقامه دعوی علیه تصویب قوانین اقتدارگرایانه، از سه حق دیگر نیز برخوردار است. بر پایه قانون اساسی بریتانیا که در سال ۱۸۷۶ توسط تئوریسین معروفی چون «والتر بارگهوت» وضع شده است: . . . مشورت دادن، بالا بردن و رفع ملی و هشدار دادن». الیزیابت دوم نیز به عنوان نمادی از دولت و ملت در همه جا حضور دارد: حتی بر روی تمبرهای پستی، اسکناس‌ها و سکه‌ها نیز تصویر ملکه به چشم می‌خورد. حتی اظهار وفاداری و سؤگند به پرچم و سرود ملی نیز به نام ملکه است و نه دولت.

آن طور که از محتوای قانون اساسی برمی‌آید، پادشاه یا ملکه بریتانیا از نظر تئوری و با تفسیری دست و دل‌بازانه، اختیارات زیادی می‌تواند داشته باشد اما غالب حقوق اصلی در تصمیم‌گیری‌ها مستقیماً به کابینه و نخست‌وزیر تعلق دارد. مصوبات مجلس هم البته به صورت تشریفاتی باید به امضای ملکه برسد تا ضمانت اجرایی پیدا کند. این مسئله در مورد احکام قضایی نیز به همان صورت تشریفاتی صدق می‌کند. ملکه بریتانیا به عنوان بالاترین مقام کلیسای دولتی انگلستان مسئول نصب و تعیین اسقف اعظم و اسقف‌های این کلیسا نیز هست، وظیفه‌ای که البته به صورت سنتی و خارج از قانون اساسی است. البته این انتصاب در نهایت باید به تأیید نخست‌وزیر برسد.

اما با وجود همه محدودیت‌های قانونی، ملکه بریتانیا حداقل از نظر معنوی نفوذ و اعتبار زیادی دارد. شاید ملاقات‌ها و مذاکرات هفتگی با نخست‌وزیر هم علاوه بر حق مشاوره که در قانون اساسی آمده، خاستگاهی در همین نفوذ و اعتبار ملکه داشته باشد. این ملاقات‌ها از جهتی نه تنها فرمالیته نیست بلکه در این ملاقات‌ها یک بحث مشاوره‌های کارشناسانه خود را در اختیار نخست‌وزیر می‌گذارد. درمیان نخست‌وزیران انگلستان این مارگارت تاجر بود که چندان اهمیتی به این ملاقات‌ها نمی‌داد و البته عاقبت خوبی به برای دولت وی نداشت. اما نخست‌وزیر سابق کانادا یعنی «پیر ترودو» به کمک همین مشاوره‌ها بود که توانست سال‌ها در قدرت باقی بماند.

منابع: 1 - Die Zeit, 2 - ZDF, 3 - Stern

مشاوره داده شود. البته محتوای این جلسات به عنوان اسرار دولتی هرگز منتشر نمی‌شود. اما در آغاز دهه هشتاد بود که الیزیابت از حیطه اختیارت و وظایفش پا فراتر گذاشت و به شدت مارگارت تاجر را مورد حمله قرار داده و از سیاست‌های اجتماعی او انتقاد کرد. کاری که البته هیچ موفقیتی در پی نداشت زیرا قانون، اختیارات مهم و اصلی را در اختیار نخست‌وزیر قرار داده است.

رودر پرنسس دایانا همسر سابق چارلز به دربار، آغاز دوره‌ای رقابت‌آمیز در خاندان سلطنتی بریتانیا را رقم زد. دایانا با اعمال و رفتار خود، وجهی مردمی و انسانی از سلطنت را در برابر دیدگان مردم گذاشت و از طرف دیگر برخی اعمال غیراخلاقی و ماجراهای عاشقانه به اصطلاح جوانان خانواده ویندسور تا اندازه زیادی چهره پادشاه را خدشه‌دار کرد.

سال‌های سال لاابالی‌گری برخی از افراد این خانواده کار را به جایی رساند که بعضی از رسانه‌های انگلستان، مشروعیت این سلطنت را زیر سؤال بردند. در سال ۱۹۹۲ دولت تمام معیبت‌های مالیاتی و حقوق مادی خود به عنوان نماد دولت، ملت را از دست داد. مرگ

دایانا در سال ۱۹۹۷ و بی‌محلی ظاهری دربار پادشاهی نسبت به این مسئله به نوعی پایه‌های سلطنت در انگلستان را به لرزه درآورد. «استیفن هسلر» کارشناس امور قانون اساسی در این مورد می‌گوید: «اگر در آن زمان نخست‌وزیر در مورد سلطنت و حدود وظایف آن همه پرس‌و‌پرسی برگزار می‌کرد، بی‌تردید امروز شاهد سلطنت تغییر شکل یافته و به شدت محدودتری می‌بودیم». اما بحران ۱۹۹۷ موجب شد تا به تدریج محبوبیت الیزیابت بار دیگر افزایش یابد. همان‌طور که پیش از این نیز آمد، از همان سال بود که گروهی از کارشناسان دولتی و غیردولتی دردرد برآمدند تا چهره‌ای مردمی‌تر و انسانی‌تر از ملکه در میان مردم ترسیم کنند. به عنوان مثال طبق برنامه‌ای از قبل تعیین شده، ناگهان ملکه به رستوران کوچکی واقع در دهکده‌ای دورافتاده وارد می‌شد و با برای ماساژ دست‌هایش به سالن‌ها ساژ می‌رفت.

«نیکولاس دیویس» کارشناس امور سلطنت در مورد وضعیت امروز محبوبیت ملکه می‌گوید: «امروزه مردم بریتانیا به ملکه بیشتر به چشم مادربرزگی نگاه می‌کنند که با نظم و ترتیبی وفادانه وظایفش را انجام داده است.» جشن پنججاهمین سالگرد تاجگذاری الیزیابت در سال ۲۰۰۲ هم نشان داد که دوران آن تلاطم‌های خانمان برانداز در خاندان ویندسورگذشته و حال آرامشی نسبی برقرار است. اما به هر ترتیب امروز دیگر خطری متوجه تاج و تخت الیزیابت نیست.

بریتانیا سابقه‌ترین و قدیمی‌ترین رژیم مشروطه سلطنتی را دارد. در پایان قرن هفدهم بود که همه اختیارات مطلقه رژیم سلطنتی جزیره انگلستان در وضع قوانین، به پارلمان تعویض شد و در قرن هجدهم نمایندگان پارلمان رفته‌رفته نظارت و کنترل دولت را نیز بر عهده گرفتند. الیزیابت دوم پادشاه بریتانیا نیز علاوه بر وظیفه و اختیاری که پیش از این آمد یعنی اقامه دعوی علیه تصویب قوانین اقتدارگرایانه، از سه حق دیگر نیز برخوردار است. بر پایه قانون اساسی بریتانیا که در سال ۱۸۷۶ توسط تئوریسین معروفی چون «والتر بارگهوت» وضع شده است: . . . مشورت دادن، بالا بردن و رفع ملی و هشدار دادن». الیزیابت دوم نیز به عنوان نمادی از دولت و ملت در همه جا حضور دارد: حتی بر روی تمبرهای پستی، اسکناس‌ها و سکه‌ها نیز تصویر ملکه به چشم می‌خورد. حتی اظهار وفاداری و سؤگند به پرچم و سرود ملی نیز به نام ملکه است و نه دولت.

آن طور که از محتوای قانون اساسی برمی‌آید، پادشاه یا ملکه بریتانیا از نظر تئوری و با تفسیری دست و دل‌بازانه، اختیارات زیادی می‌تواند داشته باشد اما غالب حقوق اصلی در تصمیم‌گیری‌ها مستقیماً به کابینه و نخست‌وزیر تعلق دارد. مصوبات مجلس هم البته به صورت تشریفاتی باید به امضای ملکه برسد تا ضمانت اجرایی پیدا کند. این مسئله در مورد احکام قضایی نیز به همان صورت تشریفاتی صدق می‌کند. ملکه بریتانیا به عنوان بالاترین مقام کلیسای دولتی انگلستان مسئول نصب و تعیین اسقف اعظم و اسقف‌های این کلیسا نیز هست، وظیفه‌ای که البته به صورت سنتی و خارج از قانون اساسی است. البته این انتصاب در نهایت باید به تأیید نخست‌وزیر برسد.

اما با وجود همه محدودیت‌های قانونی، ملکه بریتانیا حداقل از نظر معنوی نفوذ و اعتبار زیادی دارد. شاید ملاقات‌ها و مذاکرات هفتگی با نخست‌وزیر هم علاوه بر حق مشاوره که در قانون اساسی آمده، خاستگاهی در همین نفوذ و اعتبار ملکه داشته باشد. این ملاقات‌ها از جهتی نه تنها فرمالیته نیست بلکه در این ملاقات‌ها یک بحث مشاوره‌های کارشناسانه خود را در اختیار نخست‌وزیر می‌گذارد. درمیان نخست‌وزیران انگلستان این مارگارت تاجر بود که چندان اهمیتی به این ملاقات‌ها نمی‌داد و البته عاقبت خوبی به برای دولت وی نداشت. اما نخست‌وزیر سابق کانادا یعنی «پیر ترودو» به کمک همین مشاوره‌ها بود که توانست سال‌ها در قدرت باقی بماند.

منابع: 1 - Die Zeit, 2 - ZDF, 3 - Stern

شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۵

خبرها

افزایش اجاره پایگاه آمریکا در قرقیزستان

ایرنا: وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده آماده است برای ادامه حضور نظامی خود در پایگاه هوایی مناس قرقیزستان مبلغ اجاره بیشتری پرداخت کند.
خبرگزاری غیردولتی «اکی پرس» قرقیزستان با استناد به گزارش سفارت این کشور در آمریکا اعلام کرد: این تصمیم در نشست کارشناسی کارشناسی از قرقیزستان به عنوان متحد اساسی آمریکا در راستای مبارزه با تروریسم در افغانستان یاد کرده است. وی تأکید کرده که پنتاگون در زمان حاضر با مسئولان قرقیزستان جهت تعیین قیمت اجاره زمین و عقد توافقنامه جدید ادامه حضور نظامی آمریکا در پایگاه هوای مناس وارد مذاکره شده است.
نماینده وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده که این کشور آماده است نسبت به کرایه‌های قبلی مبلغ بیشتری به قرقیزستان پرداخت کند.

آگهی استخدامی M15

فارس : سازمان اطلاعات و امنیت بریتانیا موسوم به «M15» برای اولین بار در تاریخ ۹۷ساله عمر خود برای جذب نیرو به صورت علنی آگهی استخدامی داده است.
در این آگهی که از روز پنجشنبه در پایگاه اینترنتی این تشکیلات اطلاعاتی ظاهر شده است فرم‌هایی برای متقاضیان کار در مخفیانه‌ترین نهاد امنیتی انگلیس درج شده است.
وزارت خارجه انگلیس با انتشار یک اطلاعیه اقدام سازمان امنیت بیرون مرزی این کشور برای جذب علنی نیروهای اطلاعاتی را به مثابه «ورود این نهاد به عرصه‌هایی جدید منطبق با قرن بیست و یکم» تعبیر کرده است.
در این اطلاعیه تصریح شده است، در اولین آگهی‌های استخدامی علنی جذب نیرو فقط برای بخش‌های عمومی سازمان اطلاعاتی انگلیس تبلیغ می‌شود و هر کسی را که علاقه‌مند به این نوع فعالیت‌ها باشد تشویق به همکاری می‌کند.
در این اطلاعیه به نقل از جنک استراو وزیر خارجه انگلیس خطاب به مردم این کشور آمده است:
منظور نمایندگ تا شما درخواست شود به «M15» بپیوندید و اگر معتقدید شما اشتها و دانش این کار را دارید بلافاصله دست به کار شوید.

دستگیری رهبر مخالفان بلاروس

بی‌بی‌سی: الکساندر میلینکویچ، رهبر اصلی مخالفان بلاروس، به دلیل شرکت در «تظاهراتی غیرمجاز» دستگیر و به مدت ۱۵ روز زندانی شده است.
وی به دلیل برپایی این تظاهرات که روز چهارشنبه در مرکز مینسک پایتخت بلاروس برگزار شد، به نقض قانون شده است. به گزارش آسوشیندپرس میلینکویچ این اقدام را به عنوان «جس سیاسی» محکوم کرد.
دو فعال سیاسی دیگر نیز به دنبال تظاهرات چرنوبیل بازداشت شده‌اند. فعالان سیاسی می‌گویند رهبر پیشکسوت مخالفان، وینسئوک وورچوکو، نیز در مدت ۱۵ روز بازداشت شده است.
میلینکویچ پیش‌تر گفت خود اعتقاد دارد که در تظاهرات قانونی و دارای مجوز شرکت کرده است. تظاهرات کنندگان درخواست اجازه برای برگزاری مراسم خود را محل را کرده بودند.
دست کم ۶۰۰۰ نفر در تظاهرات روز چهارشنبه به یاد فاجعه چرنوبیل شرکت کردند.
سالگرد فاجعه چرنوبیل به صورت تریبون سنتی مخالفان بلاروس درآمده است.

مراسم معارفه سخنگوی جدید کاخ سفید

ایسنا: جورج بوش، تونی اسنو روزنامه‌نگار و مجری برنامه‌های تلویزیونی شبکه خبری فاکس نیز را به عنوان سخنگوی جدید کاخ سفید معرفی کرد. این تصمیم در راستای تلاش‌های دولت بوش برای تغییر چهره و بالا بردن حمایت‌های مردمی از رئیس‌جمهور که به پایین‌ترین میزان رسیده است، انجام شد. بوش در مراسم معارفه تونی اسنو گفت که از وی خواسته است تا جانشین اسکاات مک کلان به عنوان سخنگوی ارشد وی، و ارد کاخ سفید شود. بوش گفت: با افتخار از تونی به عنوان بخشی از تیم‌مان استقبال می‌کنم. رئیس‌جمهور آمریکا گفت: شغل من و تصمیم‌گیری و وظیفه اسنو توضیح تصمیمات به رسانه‌ها و مردم آمریکا است. بوش اظهار امیدواری کرد تا اسنو بتواند به موفقیت کاخ سفید در تقویتی رابطه بهتر با رسانه‌ها و مطبوعات کمک کند. بوش اسنو پیش از این در یکی از نوشته‌های خود، که در مورد فردی متغعل و مایه شرمساری محافظه‌کاران نام برده بود. اسنو نیز در سخنانی کوتاه در مراسم معارفه خود گفت: به همان اندازه‌ای که به سیاست‌های بوش اعتقاد دارد، به همکاری با خبرنگاران هم علاقه‌مند است.

«دیه‌گو مارادونا» در انتخابات پرو

ایلنا: نامزد ناسیونالیست انتخابات پرو مورد حمایت «دیه‌گو مارادونا» ستاره فوتبال آرژانتین قرار خواهد گرفت.
خبرگزاری فرانسه نوشت داد: «آلن گارسیا نامزد سوسیال‌دموکرات انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد که دور دوم این انتخابات می‌تواند یک قهرمان غیرمنتظره را در خود داشته باشد. این قهرمان غیرمنتظره «دیه‌گو مارادونا» ستاره فوتبال آرژانتینی است که برای حمایت از «اویانئا هومالا» نامزد ناسیونالیست پرو به لیمای می‌آید. گارسیا تقریباً پنج‌هشتاد میلیون دلار به نامزد فوتبال در دوره دوم انتخابات از هومالا حمایت می‌کند. مارادونا قرار است چهارم ماه مه برای شرکت در یک فوتبال نمایشی در یک استادیوم ورزشی به همراه فوتبالبست‌های سابق پرو شرکت کند.»
این اولین باری نیست که مارادونا از یک جناح سیاسی حمایت می‌کند. پیش از این از «او مورالس» رئیس‌جمهوری کنونی بولیوی در زمان انتخابات حمایت کرد. مارادونا و مورالس همچنین علیه حضور «جورج بوش» رئیس‌جمهوری آمریکا در آرژانتین تظاهراتی برپا کردند.

۵ میلیون اوکراینی مخالف ناتو

ایسنا: ویکتور مدودچو نماینده حزب مخالفین دولت کنونی اوکراین به روزنامه‌نگاران اعلام کرد، این حزب موفق شده است امضاهای نزدیک به پنج میلیون نفر از مردم این کشور را که مخالف با پیوستن اوکراین به ناتو است، جمع‌آوری شمائی (ناتو) هستند، جمع‌آوری کند. وی افزود: امضاهای جمع‌آوری شده بایستی تحویل کمیسون مرکزی انتخاباتی شوند. بنابر گفته وی بخش اعظمی از مردم اوکراین با پیوستن این کشور به ناتو مخالف هستند و مقامات دولتی کشور می‌توانند این خواسته مردم اوکراین را نادیده بگیرند.